



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

سخنرانی

زیارت امیرالمومنین علیه السلام در روز غدیر

از زبان امام هادی علیه السلام

«جلسه دوم»

حجة الاسلام حامد کاشانی

موسسه تحقیقات رهبانان قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر از زبان امام هادی علیه السلام

نویسنده:

حامد کاشانی

ناشر چاپی:

مؤلف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر از زبان امام هادی علیه السلام - جلسه دوم
۶	مشخصات مقاله
۶	اشاره
۶	مقدمه
۱۴	اهمیت ولایت در بیان امام صادق علیه السلام
۱۶	آیا می شود همینطور یک روایت را قبول کرد؟
۲۳	نکاتی در مورد جناب عمار علیه السلام
۲۳	بصیرت یعنی چه!
۳۰	روضه جناب عمار علیه السلام
۳۱	درباره مرکز

حجت الاسلام کاشانی

روز جمعه مورخ 09 شهریور 1397

مصادف با ایام عید سعید غدیر خم به ادامه سخنرانی پیرامون موضوع «زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر از زبان امام هادی علیه السلام» پرداختند که مشروح این جلسه تقدیم می شود.

خیراندیش دیجیتال: جناب آقای سید علی بحرینی به نیابت از مرحومه حاجیه خانم کسایی_گروه هم پیمانان موعود غدیر.

ص: 1

اشاره

صوت

.Your browser does not support the audio tag

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (1) «رَبِّ اسْتَرْحِ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي» (2) «إِلَهِي أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى وَالْهَمْنِي التَّقْوَى» (3).

هدیه به پیشگاه امیرالمؤمنین علیه افضل صلوات المصلین صلواتی هدیه بفرمایید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

ص: 1

1-1. سوره مبارکه غافر، آیه ی 44

2-2. سوره مبارکه طه، آیات 25 تا 28

3-3. صحیفه سجّادیه، صفحه 98

مقدمه

جلسه ی گذشته که بر سر سفره ی زیارت غدیریه ی حضرت هادی روحی له الفداه بودیم کمی از غربتِ غدیر عرض کردیم و چند فراز از این زیارتِ شریفه را با یکدیگر گفتگو کردیم، شاهد از غیب رسید، یکی از غربت های عجیبِ اهل بیت علیهم السلام این است که ما

آنقدر در بحث از ولایت آن بزرگواران کم کاری کرده ایم که متأسفانه یک عدّه به نام دفاع از وحدت نگذاشتند ولایت مطرح بشود، در حالی که خود داعیه داران وحدت سردمداران ولایت هستند و آن هایی که این دو را با یکدیگر خلط کردند نفهمیده اند.

هفته ی گذشته حرف های آقا را در مورد عظمت این زیارت خواندیم، ایشان که پرچمدار وحدت هستند همین امسال روز اول فروردین در مورد عظمت این زیارت صحبت کردند، بعضی نفهمیدند و حرف خودشان را به دیگران هم نسبت دادند.

آنقدر از ولایت نگفتیم که عقاید مردم مانند نهال ظریفی شده است که هر

ص: 2

کسی با یک فوت می تواند آن ها را تغییر بدهد.

از مظلومیت های از این بیشتر این است که بعضی ها... ان شاء الله خدای متعال آن ها را با اولیاء حقیقی شان محشور کند و اگر می فهمند در حال چه خیانتی هستند ان شاء الله خدای متعال آن ها را با غاصبِ حق حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها با صورت به آتش بزنند.

مطرح کردن چند شبهه در مورد غدیر توسط برخی شیعه نماها

متأسفانه شبِ عیدِ غدیر بعضی شیعه ها چند شبهه ی غیر مؤدبانه راجع به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام مطرح کرده اند و انسان نمی داند که این درد را به کجا ببرد و بگوید!

بعضی ها اینطور هستند که ایامِ محرمِ حرف های بنی امیه در مورد حضرت سیدالشهداء علیه السلام را می زنند و در شبِ عید غیر حرف هایی را که دشمنانِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام زده اند تکرار می کنند! این یک موضوعِ عادی ای نیست، من به بهانه ی اینکه چرا می خواهم این فراها از زیارت غدیریه را توضیح بدهم چند کلمه از متنِ این آقا را می خوانم که تیتیر عبارت شان این است: «بهره ی ما از غدیر و ولایت»، روز قبل از عید غدیر این را منتشر کرده است، این شخص مدعیِ اجتهاد هم هست.

می گوید در جامعه ی ما دو رویکرد نسبت به غدیر است، یک رویکرد این است که می خواهند از حکومتِ اسلامی دفاع کنند و غدیر را عَلم می کنند که این ربطی ندارد، من قصد ندارم به این قسمت وارد بشوم، بعد می گوید: گروه دوم کسانی هستند که غدیر را دست مایه ی تداوم بخشیدن به مجادلاتِ کلامی قرار داده و دینداریِ بدونِ ولایت را کُفر می دانند، عبارتِ صاحبِ حدائق را هم بعنوان کسی

که شاید تندترین حرف ها را در این زمینه دارد آورده است... در ادامه می گوید: در استدلال آن ها ولایت اساس اسلام است و مخالف آن حقیقتاً کافر است هر چند ظاهراً مسلمان است، اینجا کلام آقای خوبی را آورده است، در ادامه می گوید: پس غدیر هر ساله به ما پیام می دهد که شاگردان واقعی را بشناسید و مبادا آن ها را فراموش کنید، بررسی هر یک از این دو دیدگاه مجال گسترده ای می طلبد، منتها ایشان می گوید چکار کنیم؛ بینم خود حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام چه می فرمایند...

در ادامه می گوید: ولی به نظر می رسد با مراجعه ی مستقیم به کلام مولا اساساً نگاه مان به موضوع خلافت تغییر می کند و در حالی که نص بر امامت حضرت را پذیرفته ایم نمی توانیم با چنین تحلیل هایی موافقت کنیم، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام پس از تصدی خلافت از سوی دوستان خود مورد سوال قرار می گرفت که ماجرای تغییر خلافت پس از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چه بود، بالاخره امام با اصرار اینچنین پاسخ دادند که پس از وفات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ذهن من خطور نمی کرد که خلافت را از من بگیرند ولی مردم به سوی فلانی روی آوردند و من ناراحت شدم و از همکاری کناره گیری کردم تا اینکه عدّه ای از اسلام روی گردانده شدند و به موعود دین فراخواندند، ترسیدم که اگر به کمک اسلام نشتابم آسیبی ببیند که مصیبت آن بیش از زوال ولایت من به شما باشد، زیرا این ولایت چند روزی ماندگار است و مانند سراب سپری می گردد؛ این کلام حضرت علاوه بر اینکه در

نامه 62 نهج البلاغه در منابع معتبر مانند «الغارات» و... هم آمده است، بعد در ادامه جالب است که می گوید: پیوسته بدون تردید مورد قبول بوده است!

وقتی عقاید همه ی شیعیان را می زنید مورد تردید نیست، آن را می زنید بعد پایین برای اینکه استناد کند می گوید این روایت پیوسته بدون تردید مورد قبول بوده است، در ادامه می گوید: ما چند فهم داریم، یک: امام احتمال انحراف خلافت را نمی دادند یعنی یک فتنه ی از قبل طراحی شده نبود...

این ها شبِ عیدِ غدیر منتشر شده است! این ها برای شبکه ی نور و وصال و کلمه نیست، یک آخوند شیعه گفته است! پناه بر خدای متعال از اینکه بازی های سیاسی انسان را به اینجاها بکشاند.

می گوید: از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فاصله می گرفتند و در دامان معاویه می رفتند، اگر شما راست می گوید با علی بن ابیطالب مشکل دارید دیگر معاویه که واضح بود چه کسی هست! اگر شما به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم مشکلی داشتید چطور به معاویه می پیوستید؟ یعنی روی چه استدلالی؟ آیا معاویه با تقوا بود؟ آیا معاویه فسق و فجورِ علنی نداشت؟ آیا معاویه سابقه ی خوبی داشت؟ آیا معاویه مادر خوبی داشت؟ معاویه چه چیزی داشت که از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام عدول می کردید و به سراغ معاویه می رفتید؟ حداقل کنار می نشستید!

بلا تشبیه در زمان مختار اگر از مختار فاصله می گرفتند چرا به سراغ عبدالله بن زبیر می رفتند که این ها به دشمنی با اهل بیت علیهم السلام مشهور بودند؟

اگر می خواهید با جمهوری اسلامی مخالفت کنید مخالفت کنید، الآن که دیگر الحمدلله هر کسی هر چه بگوید کسی با او کاری ندارد، چرا با

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام درمی افتید؟ یک جریانی حدود ده سال است که در کشور ما برای اینکه با جمهوری اسلامی دشمنی کند با ولایت اهل بیت علیهم السلام دشمنی می کنند! از مسئول دولتی که چند مرتبه بهتان زده است، از کربلا و امام حسن مجتبی علیه السلام و امام رضا علیه السلام و حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و... تا این ها که برای تئوریزه کردن آن حرف ها.

الآن که موسم رأی نیست می شود این حرف ها را زد، مدام ما گریه کنیم و بگوییم که یک عده ای حق حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را خوردند... شما یک برگ رأی می دهید و یک نفر را بر سر کار می آورید که این شخص با ولایت اهل بیت علیهم السلام دشمنی می کند قطعاً شما در کار او شریک هستید، ما به آن کسی که رأی می دهیم و بالا می آید شریک هستیم مگر اینکه تحقیق کرده باشیم، و اگر اعلام براءت هم نکنیم به فعل او راضی هستیم دیگر، حال عبارات حضرت هادی علیه السلام را می خوانم، پس امام هادی علیه السلام برای چه کسی می فرماید که «ان شاء الله خدای متعال لعنت کند آن کسانی که به فعل آن ها راضی بودند»؟

اگر شما می خواهید با جمهوری اسلامی دشمنی کنید دشمنی کنید، جمهوری اسلامی که اینقدر دشمن دارد! چرا شما با ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام مخالفت می کنید؟ این علامت ناحق بودن است، آن هم با این استدلال های مسخره! اصلاً حیف است که نام آن را استدلال بگذارم!

در ادامه می گوید: اولاً حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می خواستند بفرمایند که ماجرای سقیفه از پیش تعیین شده نبود، دوماً:

این تغییر و انحراف با مشارکتِ عموم مردم اتفاق افتاد، امام برای جلوگیری از صدمه به اسلام به همکاری با دستگاه خلفا اقدام کردند، حضرت ولایتِ خود را (نستجیر بالله العظیم) مطاعِ روزهای گذرا و اندک می خوانند... بعد هم گفته است که غدیر روزی است که باید ببینیم خودِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام چه فرموده است!

این مطالب را اهل سنت نگفته اند، این مطالب برای یک فرد به ظاهر شیعه است! سلفِ این آقا که از دنیا رفته است که ان شاء الله خدای متعال او را با اولیاء حقیقی او محشور کند، او گفته بود که حدیث ثقلین گفته است که مادامی که به قرآن و عترت من تمسک کردید گمراه نمی شوید اما نگفته است که اگر به یکی از این دو تمسک کردید حتماً گمراه می شوید! بعد این شخص خود را شیعه می خواند!

اگر اینطور باشد من می گویم آیا فرموده است که اگر به یکی از این دو تمسک کردید حتماً نجات پیدا می کنید؟ بدبخت! خیر سرت ده سال در حوزه درس خوانده ای! ما مأمّن نیاز داریم، مثلاً اینطور نیست که بگویند شما از این به بعد شانزده رکعت نماز بخوانید که شاید پذیرفته بشود! با «شاید» که کار پیش نمی رود.

می خواهی نجات پیدا کنی و به زلالت نرسی باید به این دو تمسک کنی، اگر به این دو با یکدیگر تمسک نکردی می گویی ممکن است گمراه نشوی؟ ممکن است گمراه بشوی! انسان مأمّن از عذاب نیاز دارد، فراقِ ذمه نیاز است، یعنی من باید کاری انجام بدهم که یقین داشته باشم که مرا عذاب نمی کنند، شاید که به درد نمی خورد، اینطور

باشد که من می گویم شاید عذاب شدم یا شاید گمراه شدم!

این نق زدن های اینطوری نشان می دهد که مشکل بعضی ها جمهوری اسلامی نیست، من جسارت نمی کنم که بگویم مشکل ژنتیکی دارند ولی باید رجوع کنند و ببینند که مشکل آن ها کجاست، من اصلاً نسبت به یک سنی اگر اینطور حرف بزند اینطور تند نمی شوم، چون آن ها اصلاً نشنیده اند، اما تو می گویی من شیعه هستم و در شیعه هزاران هزار روایت هست، ما با آن ها فرق داریم، آن بیچاره ها ندارند، تازه این یکی است، اگر من می خواستم در نقض به این حرف هایی که این آقا زده است بیش از هزار روایت بود، یکی از آن ها این کتاب است، این کتاب «وسائل الشیعه» است که فقها روی آن فتوا می دهند، جلد اول، باب بیست و نه، «بابُ بطلان العبادة بدون ولایه الأئمه»، یک باب است که روایات زیادی هم دارد، شما یک روایت آورده اید و این کتاب هم که تازه کتاب فقهی است و کتاب روایتی نیست نوزده روایت آورده است.

مگر انسان عاقل همینطور حرف می زند؟ یک روایت از کتاب معتبر «غارات ثقفی»! بعد می گوید من فقه هم خوانده ام! مگر می شود روی کتاب «غارات ثقفی» فتوا داد؟ آیا سند متصل دارد؟ غیر از آنکه آن معنایی هم که او می گوید ندارد.

در این جلسه طلبه های متعددی هستند، ما کجا در فقه می خواهیم حرف بزنیم در مقابل یک مجموعه تفکری که هزاران هزار دلیل دارد یک روایت نیم بند می آوریم؟ انتهای آن این است که این روایت با آن ها تعارض دارد! آیا این مدل بحث است؟ آیا تو نمی دانی؟ آیا خود تو «تعادل و تراجیح» نخوانده ای که من

باور کنم تو مثل آن سنی ها نفهمیده ای؟

شبِ عید غدیر این آقا حرف هایی زدند که نگذاشتند من بخوابم و من تا صبح او را لعن کردم، ان شاء الله خدای متعال هر کسی که دانسته خدشه ای در ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می کند لعنت کند، ما در مورد آن بدبختی که نمی داند که حرفی نداریم، کسی که «تعادل و تراجیح» را تدریس می کند، یعنی چه؟ یعنی اگر زمانی روایات معارض شدند ما چکار کنیم.

ما هزاران هزار روایت در اهمیت ولایت اهل بیت علیهم السلام داریم، بعد تو بگویی یک روایت در «غارات ثقفی» داریم که پیوسته مورد قبول هم بوده است؟! می خواهد مطلب را به زور جا بیندازد! «غارات ثقفی»؟! کتاب تاریخ؟! شما با کتاب تاریخ فتوا می دهید؟! آیا شما مجتهد هم هستید؟

این زیارتی که ما امروز خواندیم... که من الآن چند روایت بخوانم که الآن آتش خودم بخوابد و از دست این شخص عصبانی نشوم. شما یک روایت خواندی و من الآن سه روایت مخالف آن را می خوانم، این که شیوه ی بحث نیست!

اهمیت ولایت در بیان امام صادق علیه السلام

از امام صادق سلام الله علیه نقل شده است که در ایشان در ایام حج بودند و فرمودند: «ما أكثر السواد؟!»⁽¹⁾، چقدر جمعیت زیادی برای حج آمده اند، راوی می گوید که گفتم: بله آقا! خیلی زیاد هستند! الحمدلله! حضرت فرمودند: «أما والله ما يحج أحد لله غيركم»، بخدا هیچ کدام از این ها بغیر از شما چند نفر حج بجا نیاوردند.

در زیارت جامعه امام هادی علیه السلام هم داریم در زیارت دیگر هم داریم که «يا وَلِيَّ اللهِ! إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللهِ عِزٌّ وَجَلُّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي

ص: 9

1-4. وسائل الشيعه، جلد 1، صفحه 121 (أحمد بن أبي عبد الله البرقي، في (المحاسن): عن أبيه، عن حمزه بن عبد الله، عن جميل بن دراج، عن ابن مسكان، عن الكلبي عن أبي عبد الله (عليه السلام) - في حديث - قال: ما أكثر السواد؟! يعني الناس، قلت: أجل، فقال: أما والله ما يحج (أحد) (1) لله غيركم.)

عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ»، امام اینجا در حال بیان چه چیزی هستند؟ این یک مورد هم نیست، در جاهای دیگر هم هست، گاهی هم به امام خاصی می‌گوییم «لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكَ»، توبه ی من پذیرفته نیست الا به رضای شما! الا به ایمان به شما!

ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام مطاع زودگذر دنیا و سراب است نستجیر بالله؟

ما چند جلسه در مورد این موضوع بحث کردیم که ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام یک چیز است و حکومت چهار ساله بر مردم چیز دیگری است! این را چندین بار توضیح دادیم و قصد ندارم مجدداً تکرار کنم، تو که تاریخ نمی‌فهمی چرا حرف می‌زنی؟ شبِ عید غدیر؟ برو و شبهِ ی خودت را از یک نفر بپرس! آیا شبِ عید غدیر زمان این است که انسان بگوید ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام مطاع زودگذر دنیاست؟ بعد تو آیت الله هم هستی؟! پناه بر خدا! دین چقدر مظلوم است که...

آنقدر نگفته ایم اینطور شده است، اگر ما در جامعه بیان کرده بودیم دهان این آدم را در جامعه پاره می‌کردند، اگر یک سنی این حرف‌ها را بزند... تازه این حرف‌ها در صحیح مسلم و بخاری هم نیست، تو می‌گویی من شیعه هستم، تو از کجا فتوا می‌دهی؟ آیا از همین وسائل الشیعه استناد می‌کنی؟

روایت دیگری هم می‌خوانم: «ما علی مله ابراهیم أحد غیرکم»⁽¹⁾، جز شما هیچ کسی بر ملت ابراهیم نیست، «وما یقبل الله الا منکم»، امام در حال بیان چه موضوعی هست؟ می‌فرماید: خدای متعال جز از شما نمی‌پذیرد، «ولا یغفر الذنوب الا لکم»، توبه نمی‌پذیرد الا از شما.

من چند روایت با این

ص: 10

1-5. المحاسن، جلد 1، صفحه 147 (عنه، عن أبيه ومحمد بن عيسى، عن صفوان بن يحيى، عن إسحاق بن عمار، عن عباد بن زياد قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: يا عباد، ما علی مله ابراهیم أحد غیرکم، وما یقبل الله الا منکم، ولا یغفر الذنوب الا لکم)

مضامین بیان کنم؟ در کتاب بحار مجلّداتی به این موضوع اختصاص دارد! این‌ها بدبختی است که یک نفر شیعه که یعنی من منابع شیعه را قبول دارم، بگو من شیعه نیستم، وقتی می‌گویی من منابع شیعه را قبول دارم این مطالب واضح است، ما چقدر روایت داریم که کسانی که ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را قبول نکرده اند را رد کرده اند، آنقدر زیاد است که اصلاً نمی‌دانم کدام را بگویم، چه می‌شود که یک نفر دهان خود را در جامعه باز می‌کند و اینطور حرف می‌زند؟ برای این است که ما از ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نگفته ایم، آنقدر نگفته ایم که این شخص جرأت می‌کند همچنین حرفی بزند.

آیا می‌شود همینطور یک روایت را قبول کرد؟

مثلاً می‌گویند که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌خواهند بگویند که سقیفه از پیش برنامه ریزی شده نبود!

ما چقدر در نهج البلاغه عرض کردیم که این روایات اصلاً نقل مرسل است و به این راحتی نمی‌شود به این روایات اعتماد کرد؟ اگر در خاطر داشته باشید بعضی اوقات یک روایت را از سه راوی عرض می‌کردیم و می‌گفتیم که از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است و از امام حسن مجتبی علیه السلام هم نقل شده است، یا می‌گفتیم که اینجا از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است و در جای دیگری از شخص دیگری، به این راحتی نیست.

شما می‌گویید حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند که من فکر می‌کردم که این‌ها حکومت را از من بگیرند، پس این یعنی اینکه از قبل طراحی نشده است!

در همین نهج البلاغه هست که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به خلیفه دوم

فرمودند: «بدوش و هر کاری که انجام می دهی انجام بده که هر کاری که انجام می دهی نیمی از آن برای خودت است»، این یعنی چه؟
یعنی توبه دنبال حکومت خودت هستی!

آیا انسان یک جمله را ملاک قرار می دهد و هزار جمله را رها می کند؟ بعد نام خود را هم «آیت الله» می گذارد! اگر جرأت هم دارید به حوزه نقد کنید! که بگویید آنقدر در فقه رفته اید و همه چیز را رها کرده اید که الآن عقاید مسلمین هم نقد می کنند و کسی هم تعجب نمی کند! این حرف هایی که این آقا زده است مثل این می ماند که شما بگویید نماز ظهر شش رکعت است! یک عده ای می گویند چهار رکعت است که نقد آن ها مجال مفصّلی می خواهد اما در یک جا آمده است که شش رکعت است! این حرف ها همین قدر مسخره و تعجب انگیز است، آیا ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام مطاع زودگذر دنیا و سراب است؟ پناه بر خدا!

ما ده ها مرتبه در همین جلسات نهج البلاغه عرض کردیم که حکومت آدم بر آدم ها نمی ارزد، برای حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام حکومت وسیله است، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: حکومت نمی ارزد الا اینکه بتوانم حقی را احقاق کنم و بتوانم جلوی باطلی را بگیرم، ولی آن هایی که آمدند تا حکومت را به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بدهند خلافت رسول خدا ندادند که! خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یک فضیلتی است که قابل قیاس با چیزی نیست، مثل این است که بگویید خلافت هارون از موسی علیه السلام سراب دنیا است! مثل این است که بگویید خلافت خلفای پیامبران الهی

سرابِ دنیاست! کدام دیوانه ای اینطور حرف می زند؟

این حکومت و پستِ دنیایی است که نمی ارزد، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بعنوان خلیفه به حکومت نرسیده اند، بارها عرض کردیم که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بعنوان امامِ معصوم حکومت نکردند، چرا حکمیت بوجود آمد؟ چون خلافتِ حضرت را قبول نداشتند، گفتند تو بیا و مثلِ خلفا و بلکه پایین تر باش.

به همین آقا باید گفت تو که خودت را شرحه شرحه کردی تا از یک رئیس جمهور دفاع کنی که خود او دیگر توانِ دفاع از خود را نداشت، تو بخاطرِ مطاعِ زودگذرِ دنیا با ولایتِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خدشه وارد می کنی، تو چرا برای یک رئیس جمهور این حرف ها را می زنی؟ نمی ارزد! حکومت و قدرت به شرطِ ظلم و دروغ نمی ارزد، نه اینکه خلافتِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نمی ارزد! پس تو در حوزه چهل سال چه خوانده ای؟

واقعاً اولین مقصّر حوزه است که اهمیتِ مسائل ولایت را از بین برده است، که اگر بگویند سی سال است که در فضای ولایت کار می کنیم در فضای حوزه می گویند چه درسی خوانده ای! اگر جرأت هم داری حرف بزن! وگرنه نباید می گذاشتند که این آدم در قم زندگی کند، یک زمانی یک نفر می گوید من شیعه نیستم و من می گویم که شما در منابع خودتان از این حرف ها ندارید، یک وقت طرف می گوید من شیعه هستم، اگر شیعه هستی همین زیارت غدیریه که با یکدیگر خوانده ایم، من چند عبارت آن را می خوانم تا با یکدیگر ببینیم. 2443

حضرت هادی علیه السلام می فرمایند که «وَقَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ» کسی که از تو بازمانده است گمراه

شده است... ما هم می‌گوییم با کسی که ولایتِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را ندارد در دنیا مثلِ مسلمان برخورد کنید اما تو از کجا می‌گویی که خدای متعال در قیامت اسلام این شخص را می‌پذیرد؟ آیا تو قیامت را دیده‌ای؟ ما که نمی‌گوییم الآن بروید و یقه‌ی اهل سنت را پاره کنید، ما می‌گوییم بروید و مهربانی کنید و یک نفر را جذب کنید و بر سر سفره‌ی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیاورید، اما اینکه در قیامت هم از این‌ها قبول می‌کنند، مخصوصاً آن‌هایی که حق را دریافتند و انکار کرده‌اند؟ آیا شما قیامت را دیده‌اید که می‌گویید اسلام واقعی است؟ منظور او از اسلام واقعی چیست؟ یعنی در قیامت هم از او می‌پذیرند.

اگر آن اسلام واقعی است آیا ما مریض هستیم که باید یک شرطِ اضافی هم داشته باشیم؟ اگر اسلام واقعی ایمان به خدای متعال و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است ما مریض بودیم که شرطِ اضافی داشته باشیم؟ آیا نستجیر بالله ائمه علیهم السلام ما را سرکار گذاشته‌اند؟ اگر آن اسلام واقعی بود چرا برای ما شرطِ دیگری اضافه کرده‌اند؟ پس چرا اینقدر هزینه دادیم؟ چرا باید حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها از دنیا می‌رفتند؟ برای یک چیز بیهوده؟! چرا حضرت سیدالشهداء علیه السلام کشته شد؟! برای همین است که شما مجبور می‌شوید که بگویید امام حسین علیه السلام هم می‌خواستند بروند تا مذاکره کنند اما شهید شدند! اگر جرأت کنی می‌گویی که حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها هم شهید نشده‌اند و این توهم شیعه است! یعنی با این حرف‌ها

این عبارات زیارت جامعه را ببینید، امام هادی علیه السلام می فرماید: «وَقَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ» کسی که از تو بازمانده است گمراه شده است، «وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ» آن شخص هدایت نشده است، «وَلَا إِلَهَ مِنْ لَّا يَهْتَدِي بِكَ وَهُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» خدای متعال می فرماید: من می گذرم، می آمرزم، غفار هستم، کسی که ایمان بیاورد و عمل صالح انجام بدهد و توبه کند، بعد امام هادی علیه السلام قید می زند «إِلَى وَلَا يَتَّكَ»، تازه او را بر سر سفره ی ولایت تو می آورم.

این عبارت را ببینید: امام هادی علیه السلام می فرماید «فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ» خدای متعال کسانی که تو را با دشمنان تو یکسان پنداشتند لعنت کند؛ امام اینجا چه کسانی را می فرماید؟ آیا ما مریض هستیم با کسی که اسلام واقعی دارد اینطور حرف بزنیم؟

بعد حضرت می فرماید: «فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مِنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَا يَتَّكَ» خدای متعال کسانی که تو را با آن کسانی که وظیفه داشتند ولایت تو را بپذیرند یکسان پنداشتند لعنت کند، آن ها باید به در خانه ی تو می آمدند و تبعیت می کردند که ادعای حکومت و خلافت کردند، امام هادی علیه السلام می فرماید: کسانی که این ها را با تو یکسان بدانند هم لعن می کنم.

حال می شود قید زد و گفت آن هایی که قاصر هستند را کنار بگذاریم، خدای متعال ظالم نیست و اگر به کسی حق نرسیده است خدای متعال با او در قیامت کنار می آید، ولی در مورد بقیه چطور؟

اگر بخواهیم

با قیچی این آقا جلو برویم از این زیارت چه می ماند؟ باید همه ی این زیارت را قیچی کنیم و دور بریزیم! به چه دلیل این روایت صحیحه را کنار بگذاریم؟ با این ادله ی شما که در «غارات ثقفی» یک جمله آمده است که آیا اصلاً معنای آن چیزی که تو می گویی هست یا نه؟! به چه دلیل باید آن یک جمله را به همه ی این ها ترجیح داد؟ خود حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روز عید غدیر سال 35 یا 36 که با جمعه یکی شد سخنرانی کردند شما می گوئید به سخن حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام رجوع کنید، اولاً که سخن حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام با سخنان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام تفاوتی ندارند، ثانیاً حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه غدیریه فرمودند: خداوند از کسی عبادت قبول نمی کند الا بولایت والی این روز! خود حضرت فرمودند! چرا آن جمله را می گیری و این بیانات را رها می کنی؟

یک زمانی یک نفر اصول فقه نخوانده است که در مقام تعارض باید چکار کرد، اگر او یک حرفی بزند طبیعی است، اما تو که ادعا می کنی من متخصص و کارشناس هستم چطور این همه روایت و دلیل را برای یک روایتی که اصلاً خود آن به تنهایی شأنیست استدلال ندارد کنار می گذاری؟

مثل این می ماند که من بگویم صد سند دارم برای اینکه این خانه برای من است و شما بگوئید در تاکسی شنیدم شخص دیگری را می گفتند! خود این خبر اصلاً شأنیست ندارد و بلکه صدها معارض دارد و تو هم مثلاً فقیه

هستی! جز این است که می خواهی از کسی دفاع کنی که خود او دیگر قادر نیست از خود دفاع کند؟ بعد انسان برای چه چیزی با ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در می افتد؟

حضرت هادی علیه السلام می فرماید خدای متعال لعنت کند کسانی که «فَعَدَّ عَنْ نَصْرِكَ» تو را یاری نکردند.

خدای متعال می داند که دو سه روز است این آقا اعصاب مرا بهم ریخته است، نه اینکه ما از این حرف ها نشنیده باشیم، ما از این حرف ها از ابن تیمیّه ها زیاد شنیده ایم اما ابن تیمیّه عمامه ی علمای شیعه به سر نمی گذارد، از اینکه حوزه علمیه اجازه می دهد اینطور انسان ها در آن پرورش پیدا کنند، از اینکه کسی احساس درد ندارد، از اینکه ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام غریب است، حوزه ی انقلابی کجا بود؟ حوزه ولایتی بشود نیازی نیست انقلابی بشود! حوزه ای که از ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام دفاع نمی کند از ولایت کس دیگری دفاع می کند؟ بنده قصد ندارم بگویم در این حوزه انسان خوب نیست اما وقتی بنای دروس حوزه فقط بر فقه است حساسیت طلاب از بین می رود، خیلی از آن ها این حرف ها را نشنیده اند، من در جایی در جمع اساتید بعضی از روایاتی که صحیح است و فقها هم روی آن فتوا داده اند را گفتم گفتند که گفتن این ها چه ضرورتی دارد؟! گفتم: شما تشخیص می دهید؟ صد و شصت روایت از معصوم داریم، آیا شما تشخیص می دهید که این ها به چه درد می خورد؟ دلیل بیاور که نیست، وقتی مطلب از معصوم است شما امام هستید یا مأموم هستید؟ آن ها هم مقصر نیستند، اصلاً نشنیده اند! طلبه اگر ده سال درس

بخواند و خود او به دنبال این حرف‌ها نباشد کدام درس حوزه از ولایت می‌گوید؟ نتیجه‌ی آن این می‌شود که حساسیت مردم از بین می‌رود.

ما یک زمانی داشتیم که علمای ما می‌گفتند یک سال می‌گشتیم تا ببینیم آن کتابی که بر علیه شیعه است کجاست تا جواب آن کتاب را بدهیم، الآن این دست مطالب همینطور رواج دارد!

نکاتی در مورد جناب عمّار علیه السلام

در این زیارت خیلی اسم از کسی برده نشده است، اسم حضرت جعفر و حضرت حمزه آمد که جلسه‌ی گذشته اشاره کردیم، نام «عباس» آمد که پشت سر فراریان در حنین فریاد می‌زد، و نام یک فرد دیگر، نام عمّار آمده است، چرا حضرت هادی علیه السلام نام عمّار را برده است؟ حضرت فرمودند: و عمّار بین دو صف در سپاه (بین سپاه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و سپاه معاویه) در صفین فریاد می‌زد «الرّوّاح الرّوّاح الی الجنّه»، چرا امام هادی علیه السلام این مطلب را فرموده اند؟ چرا حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام «أین عمّار» می‌فرمایند؟

آنقدر ما با واژه‌ی «بصیرت» عمّار را خراب کردیم، نه بصیرت انقلابی پیدا کردیم و نه بصیرت ولایی! فقط نام جناب عمّار رحمه الله تعالی علیه خراب شد! وقتی انسان نخواهد گوش بدهد اینطور است، حضرت آقا می‌فرمایند «أین عمّار»، طرف همایش می‌گذارد در ماده‌ی «بَصْرًا» «بِصْرًا»

بصیرت یعنی چه!

چرا حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام «أین عمّار» می‌فرمایند؟

تاریخ ثابت کرده است که این فضیلتی که عمّار دارد چند نفر بیشتر ندارند؛ وجود حضرت مریم سلام الله علیها علامت حقایق حضرت عیسی علیه السلام است، وجود مبارک حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها علامت حقایق حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است،

وجودِ عَمَّارِ نَشَانِهٖ حَقَّانِيَّتِ حَضْرَتِ اميرالمؤمنينِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامِ اسْتِ، اصْلًا خَيْلِي چيزِ عَجِيْبِي اسْتِ!

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایتی فرموده اند که ما در حوزه مروی بطور مفصل راجع به آن بحث کردیم که اهمیّت آن از حدیث غدیر کمتر نیست! بَرَنَدَگِیِ آن بیشتر هم هست!

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «وَيَسَّحُ عَمَّارٌ، تَقْتُلُهُ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ، يَدْعُوهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ، وَيَدْعُوْنَهُ إِلَى النَّارِ»، آن گروهی که اهلِ بَغْيِ و ظلم هستند عَمَّارِ را خواهند کشت، عَمَّارِ این ها را به بهشت دعوت می کند و آن ها هم عَمَّارِ را به سمتِ دوزخ دعوت می کنند.

شیعه و سنی در این موضوع هیچ اختلافی ندارند که عَمَّارِ به بهشت دعوت می کرد، نه فقط ما شیعه ها این را بگوئیم که بزرگانِ اهل سنت هم این موضوع را گفته اند، در این مسئله اختلاف هم ندارند که عَمَّارِ به بهشت دعوت می کرد، عَمَّارِ که رئیس جبهه نبود، عَمَّارِ که فرماندهی کلّ قوا نبود، عَمَّارِ آن وسط یک سرباز بود، عَمَّارِ که رئیس نبود، دعوتِ به اطاعتِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می کرد، آن طرف که به آتش دعوت می کردند هم به معاویه دعوت می کردند، در جمل زمانی که طلحه فهمید عَمَّارِ در سپاه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است برای ادامه ی جنگ دچار تردید شد، ببینید خدای متعال چه مقامی به یک نفر داده است!

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می دانستند که روایاتِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را خدشه دار و انکار و کتمان می کنند و برای اینکه حق روشن بشود باید شخصِ دیگری و چیزهای

دیگری را هم وسیله ی پیدا کردنِ راهِ حق قرار می دادند؛ اگر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم این عبارت را راجع به هر کسی می فرمودند احتمال داشت آن شخص سوءاستفاده کند، می دانید همانطور که برای حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام داریم که «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ» داریم که «عَمَّارٌ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَمَّارٍ»، با این تفاوت که حق به دورِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می گردد و عمار به دورِ حق، عَمَّارِ شاخصِ تشیع است، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شاخصِ امامت است.

اگر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم این جمله را راجع به هر شخص دیگری می فرمودند... کما اینکه ائمه ی ما علیهم السلام گاهی وکلایی داشتند که این ها وکیلِ امام بودند و مردم به سراغ این ها می رفتند اما این ها به امام بعدی خیانت می کردند، با این کار این ها کار خیلی خراب و فتنه خیلی سنگین می شد، عَمَّار هم می توانست این کار را کند، ببینید حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم چه اطمینانی به عَمَّار داشتند.

عَمَّار در هر جبهه ای که قرار می گرفت... در همین فتنه که مردم مثلِ ذَرَاتِ گرد و غبار بودند و به این طرف و آن طرف می رفتند هر کجایی که در مقابلِ آن ها عَمَّار بود جبهه را خالی می کردند که نکند عَمَّار کشته بشود، مظلومیّتِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را ببینید که با حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می جنگند ولی مراقب هستند که عَمَّار کشته نشود، در آن جامعه روایات فضائلِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام کتمان شده است و دیگر هجمه

را گذاشته اند که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را خاموش کنند اما روایتِ عَمَّار در ذهن ها هست، وقتی عَمَّار در جمل آمد طلحه لرزید و به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام عرض کرده شنیده ام عَمَّار را آورده اید! آن ها برای چه عایشه را آورده بودند؟ برای اینکه بگویند همسر پیامبر علامت است؛ به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام عرض کردند که شما جناب «ام سلمه سلام الله علیها» را ببرید که که فتنه ی عایشه بخوابد اما حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند من بر خلاف حق عمل نمی کنم، من برای اینکه بخواهم از حق خود دفاع کنم بر خلاف امر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عمل نمی کنم، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده بودند که «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ»⁽¹⁾، یعنی همسران پیامبر در خانه بمانند، و این عایشه علامت حق نبود عَمَّار علامت حق بود.

در صفین همین ها که هیچ چیزی نمی فهمیدند وقتی حمله می کردند آن جایی که عَمَّار بود را خالی می کردند، برای اینکه نکند عَمَّار کشته بشود! بعد هم گفتند که شب بود و در تاریکی تیر زدند و اشتباه شد و نفهمیدند که چه کسی چه کسی را با تیر زد!

دیدید که امام هادی علیه السلام می فرمایند که بر قاتلِ عَمَّار لعنت، چرا باید امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریه این موضوع را بفرمایند؟ غدیر چه ربطی به عَمَّار دارد؟ انسان می تواند به جایی برسد که وجود او اینطور به امام زمان او خدمت کند، ان شاء الله خدای متعال روزی کند که ما با دست ناقابل مان قدمی برای امام زمان ارواحنا فداه

ص: 21

1-6. سوره مبارکه احزاب، آیه 33 (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)

در کشورِ امام زمان ارواحنا فداه کسی که چهل سال در حوزه درس خوانده است بیاید و راجع به بدیهیاتِ عقایدِ ما و آن هم با این استدلال... ای کاش که یک استدلالِ به درد بخوری و یا یک چینشِ منطقی ای داشت یا کمی برای مخاطب شعور قائل بود! ایشان سخنرانِ مجمع تشخیص مصلحتِ نظام است! سخنرانِ ماه رمضان دولت بود! فکر نکنید که او را از جایی نامعلوم پیدا کرده ام!

یک جریانی برای اینکه با ولایت فقیه بجنگند همه کاری انجام می دهند، می گوید: ولایتِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام سرابِ زودگذرِ دنیا است! (نستجیر بالله).

این علامتِ شبه نفاق است که کسی بگوید من شیعه هستم و این حرف را بزنم، هزاران هزار روایت داریم بعد شما اینطور بگویید!؟

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سال 35 یا 36 بجای نماز جمعه خطبه ی غدیر را خواندند و فرمودند اگر کسی امامتِ صاحبِ امامتِ این روز را نپذیرد عبادتِ او مقبول نیست، وقتی جلسه تمام شد و نماز را خواندند حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند که همه ی شما در خانه ی امام حسن مجتبی علیه السلام میهمان هستید، این موضوع در کتاب «اقبال» آمده است...

عده ای برای میهمانی به محضرِ امام رضا علیه السلام آمدند و ایشان همه را نگه داشتند، آن ها گفتند که قصدِ مزاحمت نداریم، امام رضا علیه السلام فرمودند: امروز روزِ عید غدیر است! امروز روزِ امامتِ مولای ما حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است! حضرت نهار دادند، هدیه دادند، اهل بیت علیهم السلام در تکریمِ این روز سر از پای نمی شناختند.

عَمَّارِ نود و چند ساله که یک عمر در راه اسلام

خدمت کرده است، اوایل اسلام پدر و مادر ایشان با شکنجه از دنیا رفتند، عمّار شیر میدان بود، بعضی روزها فرماندهی اصلی حمله کننده بود، با اینکه نود و چند ساله بود، نفر اولی بود که به خط دشمن می زد، رجز ایشان هم رجزی نبود که خود را معرفی کند، روایت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در مورد امامت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بعنوان رجز می خواند، می فرمود:

فالیوم نصر بکم علی تأویلہ کما قتلناکم علی تنزیله

امروز بر اساس تفسیر صحیح قرآن می جنگیم، کما اینکه قبلاً بر اساس اینکه بگوییم قرآن کریم کتاب خدای متعال است و شما کفار نمی پذیرفتید با شما می جنگیدیم.

این روایت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در مورد حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، «إِنَّ مِنْكُمْ مَنْ يَقَاتِلُ عَلِيَّ تَأْوِيلَ هَذَا الْقُرْآنِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلِيَّ تَنْزِيلَهُ»⁽¹⁾، یک روز من جنگیدم که اثبات کنم قرآن کریم کلام خدای متعال است و به زودی کسی با شما می جنگد برای اینکه تفسیر صحیح چیست!

عمّار بیش از نود سال عمر کرد و تلاش کرد و جهاد کرد، دوران خلیفه سوم وقتی خلیفه «عبدالله بن مسعود» را کشت و عمّار او را شبانه دفن کرد... این نشان می داد که دفن شبانه ی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها حکومت خلفا را تخریب کرده است... عثمان فهمید و عمّار را بشدت کتک زد و او نقص عضو پیدا کرد اما عمّار کوتاه نیامد، تا زمان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شد!

می دانید که اگر عمّار و مالک اشتر نبودند حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام چهار سال حکومت را

ص: 23

1-7. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، جلد 1، صفحه 337 (الدّعشی، بإسناده، عن أبي سعيد الخدري، أنه قال: كُنَّا جُلُوسًا نَنْتَظِرُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَخَرَجَ إِلَيْنَا مِنْ بَعْضِ بُيُوتِ نِسَانِهِ، فَقُمْنَا مَعَهُ نَمْشِي، فَأَنْقَطَعَ شَيْءٌ نَعْلِهِ، فَأَخَذَهَا عَلِيٌّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَتَخَلَّفَ عَلَيْهَا، لِيَصِدَّ لِحَجَّهَا، وَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَنْتَظِرُ، وَنَحْنُ مَعَهُ قِيَامًا - وَفِي الْقَوْمِ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ - فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ مِنْكُمْ مَنْ يَقَاتِلُ عَلِيَّ تَأْوِيلَ هَذَا الْقُرْآنِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلِيَّ تَنْزِيلَهُ، فَاسْتَشْرَفَ لَهَا أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ! فَقَالَ: لَا، وَكَفَيْتَهُ خَاصِفُ النَّعْلِ. قَالَ أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ: فَاتَّيْتُهَا بِهَا لِأُبَشِّرَهُ، فَلَمْ يَرْفَعْ لَهَا رَأْسًا، فَعَلِمْتُ أَنَّهُ شَيْءٌ قَدْ سَمِعَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَآلِهِ قَبْلَ ذَلِكَ. وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ: أَنَّ أَبَا بَكْرٍ قَالَ: أَنَا هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. وَعُمَرُ أَيْضًا. قَالَ: لَا، وَكَفَيْتَهُ خَاصِفُ النَّعْلِ، يَعْنِي عَلِيًّا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ).

هم نداشتند، مردم در حال رفتن به سمتِ طلحه بودند، عمار تلاش کرد و به مردم می گفت که چرا به سراغ کسی می روید که او هم مانند عثمان خورده است و بُرده است؟ به سراغ کسی بروید که او دار و ندارِ خود را در راه اسلام داده است، به سراغ کسی بروید که همسرِ خود را در راه اسلام داده است، به سراغ کسی بروید که به شما پول داده است و پولی نگرفته است، به سراغ کسی بروید که باغ درست کرده است و وقف کرده است...

عمار و مالک مردم را از درِ خانه ی طلحه به درِ خانه ی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام برگرداندند، وگرنه تاریخ اصلاً نمی دانست که حکومتِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام یعنی چه.

این بدن در راه اطاعتِ خدای متعال خسته بود، در راه اطاعت از خدای متعال جنگید، تا اینکه این مرد بیش از نود ساله در میان جنگ تشنه شد و آب خواست، بجای آب آبی مخلوط با شیر آوردند، تا آن را دید گفت: «صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ»... فرمود: «أَخِرُّ شَرَّ رَأِيكَ مِنَ الدُّنْيَا ضِدَّ يَأْخُ مِنْ لَبَنِ»، معلوم است که نوبت دیدارِ حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسیده است، آن را خورد و به شهادت رسید، سلام الله علیه...

او آب خواست و بهتر از آب به او دادند، از آب هم مضایقه کردند کوفیان...

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود. برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

